



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سپه نمايشنامه از مولير

ترجمه و اقتباس محمد علي فروغی (ذكاء الملك)

با مقدمه جناب محمود فروغی

به اهتمام مجله ينما

مولیر

در این مجلد سه نمایشنامه اثر مولیر که ترجمه واقتباس مرحوم محمد علی فروغی است منتشر می‌شود. میرزا کمال‌الدین وبی جهاز (یاخسیس) در حدود سال ۱۳۱۶ هجری شمسی به فارسی درآمده و تنظیم گردیده و در واقع سرگرمی متفنانانه مرحوم فروغی بوده و تا کنون انتشار نیافته بوده است. (۱)

نمایشنامه طبیب اجباری در سال ۱۳۰۶ هجری قمری به چاپ رسیده (۲) و با احتمال قوی از جمله کارهایی است که فرزند ترجمه و پدر نگارش کرده است. با اصل تفاوت زیاد دارد. موضوع را گرفته‌اند و به فارسی نگارش و تحریر کرده‌اند. ترجمه آثار اروپائی به فارسی در نیمه اول سده نوزدهم میلادی آغاز می‌شود (۳) سپس با تأسیس مدرسه دارالفنون و تدریس زبان‌های خارجه ترجمه کتب مختلف از جمله کتب درسی رونق تازه‌ای پیدا میکند و بعداً که دارالترجمه دولتی دایر میشود و دامنه آشنائی با فرهنگ اروپائی گسترش پیدا میکند مرتباً کتبی به ترجمه میرسند که یکی از آنها همین طبیب اجباری است.

اصولاً آثار مولیر همواره مورد توجه هوشمندان و صاحب‌دلان بوده است (۴). چنانکه میدانیم نمایشنامه‌های اروپائی در نیمه دوم سده گذشته به ایران راه یافت. خاطرات اعتمادالسلطنه حکایت از این میکند که نمایشنامه‌هایی ترتیب میدادند و در تماشاخانه مدرسه دارالفنون در حضور شاه به اجرا درمی‌آوردند. در همان

- ۱ - به زمان ما هم برخی دیگر از آثار مولیر ترجمه یا ترجمه مکرر شده است مانند خسیس ترجمه محمد علی جمال‌زاده، تهران ۱۳۳۶ شمسی؛ مردم‌گریز ترجمه محمود هدایت تهران ۱۳۳۸ شمسی؛ دختران فضل فروش ترجمه بدری و وزیر و حسینعلی ملاح تهران ۱۳۴۴ شمسی.
- ۲ - دوست دانشمند آقای دکتر فریدون آدمیت نسخه‌ای از آن را به من لطف کردند که موجب سپاسگزاری است. ۳ - کتاب تاریخ و فرهنگ، استاد مجتبی مینوی. گفتار اولین کاروان معرفت ۴ - کتاب اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده - دکتر فریدون آدمیت - نمایشنامه نویسی.

اوان گذشته از طیبب اجباری نمایشنامه عروس اجباری از آثار مولیر نیز به فارسی ترجمه و منتشر گردیده است .

مولیر یکی از برجسته ترین رجال ادب فرانسه است . نام او ژان باتیست - پوکلن (۱) است و بعدها در کار تئاتر نام مولیر (۲) را برگزیده است . اطلاعات دقیق و جامع درباره دوران جوانی و کیفیت تربیت و آغاز کار او در تئاتر در دست نیست . میدانیم که در ۱۵ ژانویه ۱۶۲۲ میلادی به دنیا آمده است . پدرش قالی باف بوده بعداً در دربار شغل پیشخدمتی پادشاه را بدست می آورد . به این ترتیب از لحاظ مالی دست باز میشود و میتواند وسایل تعلیم و تربیت فرزند را به بهترین وجه فراهم سازد . احتمال می رود در اورلئان (۳) به وکالت دادگستری رسیده باشد .

میگویند در ایام کودکی با جد مادری خود به دیدن نمایش های بازیگران کمدی می رفته است بعداً کم کم تصمیم میگیرد بکار تئاتر مشغول شود و کمدی را پیشه خود سازد . در سال ۱۶۴۳ میلادی گروه هنری تشکیل میدهد (۴) و در سال بعد نام مولیر را برای خود انتخاب میکند تا موجب ناراحتی و نگرانی خویشاوندان نشود چه این کار در آن موقع خوش آیند نبوده بخصوص که کشیش های متعصب هم نظر خوش نداشتند .

مولیر با برادران بژار (۵) و خواهرشان مادلن (۶) آشنا می شود و متفقاً گروه تئاتری تشکیل میدهند . نمایش هایی که به راه می اندازند مورد توجه عامه قرار نمیگیرد . داستان های غم انگیز را مردم نمی پسندند مولیر هم متوجه نمی شود که استعداد فوق العاده او در چه رشته است . تراژدی را باید رها کند و به دنبال کمدی برود . باری مقروض میشود و دچار زندان می گردد . پس از آزادی از پاریس خارج می شود و به سوی سایر شهرها رومی آورد . بدرستی معلوم نیست به کجاها مسافرت می کند و نمی توان به دقت مسیر او را تعیین کرد . می گویند در حدود سال ۱۶۵۳ یا ۱۶۵۵ به لیون (۷) سر می زند . نمایشنامه « کیچ » (۸) را به روی صحنه می آورد سپس

1- Jean - Baptiste Poquelin 2 - Molière 3- Orléans

4- Illustre Théâtre بنام 5- Béjart 6- Madeleine 7- Lyon

8- L' étourdi

به یکی دو شهر دیگر می‌رود و چند نمایشنامه اجرا می‌کند و بعد در سال ۱۶۵۸ تصمیم می‌گیرد به پاریس مراجعت کند. در حضور پادشاه و ملکه نمایشنامه «پزشک عاشق» (۱) را اجرا می‌کند که مورد توجه قرار می‌گیرد و سالن پتی بوربن (۲) را در اختیارش می‌گذارند و تحت حمایت دربار پیش می‌رود و یکسال بعد با نمایشنامه دختران فضل فروش (۳) به شهرت می‌رسد. معروف است که پیرمردی از میان تماشاکنندگان فریاد می‌زند.

مولیر! جرأت به خرج بده کمدی خوبی به نمایش گذاشته‌ای. خواه این گفته صحیح باشد خواه جعلی معلوم است که حکایت از عقیده مردم می‌کند.

مولیر با مشکلات زیاد مواجه می‌شود و آنان که خود وظیفه خود را مورد تمسخر و انتقاد در نمایشنامه‌های او می‌بینند سعی می‌کنند از نمایش‌ها جلوگیری کنند و غالباً هم موفق می‌شوند ولیکن مولیر دلسرد نمی‌شود و به کار خود ادامه می‌دهد. در سال بعد تئاتر پتی بوربن را می‌خواهند خراب کنند. مولیر متوسل به لویی چهاردهم می‌شود و به امر این پادشاه پاله رویال (۴) در اختیارش گذاشته می‌شود. او نمایشنامه «شاهزاده حسود» (۵) را به نمایش می‌گذارد که نه ترازدی است و نه کمدی. مردم آن را نمی‌پسندند. در این جاست که بالاخره متوجه خطای خود می‌شود و از این به بعد منحصرأ به کمدی می‌پردازد.

چند ماه بعد تئاتر «مکتب شوهران» (۶) را بروی صحنه می‌آورد و چنان مورد توجه قرار می‌گیرد که توفیق و مقبولیت عامه مولیر و گروه هنری او مسلم می‌گردد.

مولیر نمایشنامه‌های اخلاقی و فلسفی می‌نوشته و در عین حال کمدی‌های سبک نیز راه می‌انداخته است و بودند کسانی که نمی‌توانستند علت این امر را بفهمند و حال آنکه خودش خوب دریافته بود که مردم دوست ندارند دائم نمایش‌هایی ببینند

1- Le Docteur Amoureux 2- Petit - Bourbon 3- Les
Précieuses Ridicules 4- Palais - Royal 5- Le Prince Jaloux
6- L' École Des Maris

که جنبه پند و موعظه داشته باشد.

مردم به نمایشنامه‌های مولیر دل‌بستگی داشتند و او روز به روز در میان هم‌میهنانش محبوب‌تر می‌شد. بدیهی است که حمایت لوئی چهاردهم نیز حسن اثر بسیار داشت و پشت گرمی نیر و مندی بود و موجب میشد که مولیر بتواند اشخاص مختلف را در نمایشنامه‌های خود به باد انتقاد بگیرد و هراسی نداشته باشد.

در سال ۱۶۶۲ مولیر با ازماند (۱) بزار خواهر کوچک و هفده سالهٔ مادرش ازدواج میکند. تفاوت سن میان او و همسرش بسیار زیاد بود. این ازدواج بهانه بدست مخالفان میدهد و پدر بیراه به او می‌گویند تا آنجا که بسبب روابط گذشته‌اش با مادرش بزار به او تهمت می‌زند که با دختر خود عروسی کرده است. در این موقع هم لوئی چهاردهم از او حمایت میکند و حتی حاضر می‌شود پدر خواندهٔ فرزندی بشود که در سال ۱۶۶۴ بدنیامی آید ولیکن با این همه زندگی خانوادگی او با نامرادی توأم بود. در همین سال مولیر میرزا کمال‌الدین (۲) را در قصر ورسای در حضور پادشاه به نمایش می‌گذارد. مخالفان و حسودان و کشیشان متعصب چنان بر علیه او بر می‌خیزند که نمایش متوقف می‌شود. پس از پنج سال لوئی چهاردهم مجدداً اجازه نمایش را صادر می‌کند. در این پنج سال مولیر با بدخواهان و بدگویان در جدال بود و از نوشته‌های خود دفاع می‌کرد. پادشاه به منظور ابراز عنایات مقرری دستهٔ مولیر را زیاد می‌کند و این گروه هنری را «گروه بازیگران کم‌دی شاه» می‌نامد. مولیر نمایشنامه «مردم‌گریز» (۳) و طیب اجباری (۴) را بروی صحنه می‌آورد و در آن‌ها بسختی از پزشکان انتقاد می‌کند. می‌گویند رنجش او از پزشکان بسبب این بوده که مزاجی علیل داشته و غالباً بیمار می‌شده است و اطباء از عهدهٔ معالجه بر نمی‌آمده‌اند. مولیر از آنان مأیوس شده بود و به آنان اعتقاد نداشته است.

پس از آن مولیر نمایشنامه‌های شیرین ولی سبک بخاطر پشتیبان بزرگ

خود لوئی چهاردهم در قصر سلطنتی نمایش می‌دهد. بعضی به او ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند این شاعر و نویسنده بزرگ وقت خود را به کارهای بیش پا افتاده می‌گذراند و شاهکار ادبی خلق نمی‌کند. حال آنکه باید اذعان کرد برای سپاسگزاری از حامی خود راهی جز این نداشته و در واقع باین وسیله دین خود را ادا می‌کرده‌است.

در ۱۳ فوریه ۱۶۷۳ مولیر نمایش « بیمار خیالی » (۱) را آغاز می‌کند و در آن به سخت‌ترین وجهی به پزشکی و پزشکان می‌تازد. شب چهارم نمایش در موقع بازی در صحنه آخر دچار تشنج و بیماری می‌شود او را به خانه‌اش می‌برند. حالش طوری بوده که امیدی به بهبودی نمی‌رفته است به دنبال کشیش می‌فرستند ولیکن کسی حاضر نمی‌شود به بستر بیمار برود و آخرین مراسم مذهبی مسیحی را بجا بیاورد. بالاخره کشیشی می‌پذیرد اما پس از مرگ مولیر به بالین او می‌رسد. اولیای کلیسای کاتولیک مع‌التأسف آن‌طور که شایسته چنین مرد بزرگی بود مراسم مذهبی را بجا نمی‌آوردند و یکی از بزرگترین متفکرین و شعرا و نویسندگان و هنرمندان قرن هفدهم که چنین میراث گرانبهای ادبی باقی گذاشته پس از مرگ مورد بی‌مهری و بی‌اعتنائی قرار می‌گیرد. این امر باعث شرمساری ابدی معاصران اوست. مولیر سه فرزند داشت دو پسر که در جوانی مردند. دخترش ازدواج می‌کند

ولی بی‌فرزند از این دنیا می‌رود. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ارماند بزار پس از درگذشت مولیر به بازی در تئاتر ادامه می‌دهد و بعداً مجدداً ازدواج می‌کند و در سال ۱۷۰۰ او هم در می‌گذرد.

مولیر شاعری خوش قریحه و نویسنده‌ای زبردست و هنرپیشه‌ای ماهر و مدیری توانا و پرکار و هنرمندی خوش ذوق بود. در سیاست هم دست داشت شاید بهمین سبب لوئی چهاردهم از او حمایت می‌کرد. همواره بدنبال کسب معلومات و اطلاعات بود و بمطالعه می‌پرداخت. کتابخانه او سیصد و پنجاه جلد کتاب داشت که در آن زمان میزان قابل توجهی بود. مولیر اشخاصی را که در نمایشنامه‌ها

خلق می کرد و به بازی می گذاشت وسیله قرار می داد تا به بهترین شکل اوضاع و احوال زمان و مردمان آن عصر را نقادی کند . از همه بیشتر بر علیه مؤمنان ریاکار و ظاهر سازان بی حقیقت و آنان که به معقولات و مسائل هنری علاقه دروغی نشان می دادند به سختی می تازد . معاصران او بلند نظری و وفاداری و صداقت و امانت وی را تمجید می کردند .

مولیر تئاتر کمدی را به درجه اعلی رسانید . امروزه هم که نمایشنامه های او بر روی صحنه می آید مردم از دیدن آن لذت می برند و چه بسا می بینید اشخاصی که در نمایش ها می آیند هنوز هم در زندگانی روزانه دیده می شوند و به اصطلاح معروف نوعشان محفوظ است .

محمود فروغی
آبان ماه ۱۳۵۲ شمسی



منابع :

- 1 – Théâtre choisi de Molière avec des notices et des notes par Ernest Thirion .
- 2– I theatre complet de Molière Notices et annotations . par Th. Comte .
- 3 – Les maîtres de la littérature Francaise par Emile Henriot .
- 4 – Molière par R. Jasinski .
- 5 – Grande larousse encyclopédique .